

شرق شناسان و شرق شناسی در آلمان

بقلم آقای دکتر داود منشی زاده^۱

استاد ایران شناسی در دانشگاه مونیخ

دانشمندان آلمانی برای تحقیقات تاریخی و فرهنگی و ادبی و علمی شرق نزدیک متحمل زحماتی فوق العاده شده اند. این تتبعات و مطالعات همیشه بایک نوع عشق و شور نسبت بحقیقت محض توأم بوده است چنانکه یکی از بزرگان انگلیس چند روز پیش از آنکه آتش جنگ اوّل شعله ور شود گفته بود: « بگذارید آلمانها برای السنه زنده و مرده دور و نزدیک دستور زبان بنویسند، ما انگلیسها و فرانسویها مستعمرات را بین خود تقسیم خواهیم کرد ».

تحصیل السنه شرقی در اروپا از مطالعات مذهبی کشیش ها شروع میشود چه برای فهم عهد عتیق و جدید بغیر از لاتینی و یونانی آشنائی بزبان عبری نیز لازم بود و میتوان گفت که علم زبانشناسی نیز از همین جا سرچشمه گرفته است.

زحمات استاد معروف آلمانی فرانتس بپ^۲ را درین قسمت همه میدانند. این عالم آلمانی پس از آنکه زبانهای اروپائی (بجز السنه باسک و مجاری و فینی و است ولای) و سانسکریت و فارسی و ارمنی و السنه اسلاو را با یکدیگر مقایسه کرد باین نتیجه رسید که همه اینها دارای یک ریشه متحدند. ببنظر خود قرابت این السنه را نیز نسبت بهم تعیین کرد. دسته بندیهای زبانی امروز هند و اروپائی نیز از بپ و شاگرد او میة فرانسوی است^۳.

عنوان کتاب معروف بپ که در سال ۱۸۱۶ میلادی در شهر فرانکفورت انتشار یافت جمله ایست که فارسی آن «صرف افعال در زبان سانسکریت و مقایسه آن با صرف افعال در السنه یونانی، لاتینی، فارسی و السنه ژرمنی» است.

در تقسیم بندی بپ السنه هند و اروپائی شرقی در دسته ساتم^۱ و السنه هند و اروپائی غربی در دسته کنتم^۲ قرار داشتند یعنی زبانهایی که کلمه «صد»^۳ در آنها با صوت س = S و زبانهایی که کلمه صد در آنها با صوت ك = K شروع میشود. سانسکریت و فارسی و السنه اسلاوی جزء گروه اول میباشند.

بزرگترین خدمت بپ در اینست که وحدت اولیه زبانهای اروپائی (یا بقول آلمانها هند و ژرمنی) را بر اثر فحوص در «قوانین فیزیکی» و «مکانیکی» آنها ثابت کرده است.

بعد از بپ کسانی مانند برادران گریم^۳ و راسک^۴ دانشمند دانمارکی و پت^۵ و بنفی^۶ و شلابشر^۷ در این زمینه بسیار کار کردند و بنیاد زبانشناسی علمی را افکندند.

شلابشر که فیلسوف و گیاه شناس نیز بود زبان راهم مانند يك موجود زنده طبیعی دارای تولد و نمو و مرگ میدانست و آنرا تابع قوانین ثابتی مانند سایر قوانین طبیعی میشمرد، کتاب معروف او که عنوان آن «مکمل دستور قیاسی السنه» است در سال ۱۸۶۱ منتشر گردیده.

در همان اوقاتی که شلابشر سرگرم تحقیقات خود بود دانشمندان دیگری مانند کوهن^۸ ریاضی دان معروف و گراسمن^۹ اساس تازه ای برای زبانشناسی میریختند. معروفترین این عده که ایشان را نحوون جوان^{۱۰} میخواندند عبارتند از علمائی مانند

۱- Satem ۲- Kentum ۳- Grimm ۴- Rask ۵- Pott

۶- Th. Benefey ۷- A. Schleicher ۸- Kuhl ۹- Grassmann

-- Jungergrammatiker

اسلاویست بزرگ ۱ ولسکین ۲ و بروگمن ۳ و اُستهوف ۴ و فورنوناف ۵ روسی و دُوسور ۶ سویسی .

بزرگترین و مهمترین قدیمی که در راه اثبات وجود زبان اصلی هند و اروپایی و شاید اساساً در علم زبانشناسی برداشته شده از دانشمند بزرگ دانمارکی کارل - ورنر ۷ است .

آن قسمت از شرقشناسی که بتحقیق در باب السنه مخصوص است ممکنست موضوع يك زبان هند و اروپایی مثل فارسی یا پالی یا يك زبان سامی مانند عربی یا عبری یا یکی از السنه ترکی مثل چواش یا تاناری باشد .

در فقه اللغة شرقی شاید بتوان گفت که بزرگترین و مؤثرترین مستشرقین دوره اخیر نولد که بنوده . وی تا سال ۱۹۲۰ در استراسبورگ میزیست از آن پس بکارسروه آمد و بقیه عمر خود را در آنجا گذراند تا در ۹۵ سالگی در گذشت .

این عالم جامع متبحر تا روز آخر عمر با بنیه ای خستگی ناپذیر و قدرتی عجیب بتحقیقات علمی خود ادامه میداد و در عربی و آرامی و فنیقی و عبری و عربی مخصوصاً در فارسی و پهلوی کار میکرد . ترجمه او از کارنامه اردشیر پابکان و ترجمه قسمتی از تاریخ طبری در باب ساسانیان و تحقیقات او در باب شعر قدیم عرب و کتاب شاهنامه و تاریخ قرآن همه از آثار نفیس و مشهور اوست .

در ابتدای قرن نوزدهم شاعر بزرگ آلمان گوته منظومه ای ساخت بنام «الدیوان الشرقي لمؤلف غربی» که مضامین آن از ترجمه قسمتی از اشعار حافظ گرفته شده بود و آن گوینده استاد خود آنها را از شاعری دیگری بنام روکرت^۸ اقتباس کرده .

۱- Slaviste ۲- Leskien ۳- Brugmann ۴- Osthoff ۵- Fortunatov

۶- Saussure ۷- Karl Werner ۸- Rückert

استاد روکرت در باب السنه شرقی مردی بود شاعر و سیاسی از بزرگان اطریش بنام هامر پورگشتال^۱ که بسمت سفارت مدت‌ها در پای تخت عثمانی میزیست و ترکی و عربی و فارسی را خوب میدانست. او اول کسی است که تاریخ و صاف را با حروف سریبی نستعلیق بچاپ رسانده و کتابی در معرفی ادبیات ترکی و فارسی بنام «باغ گل» نوشته است.

از جمله کارهای دیگر روکرت یکی نیز ترجمه مقامات حریری است بنشر مسجع آلمانی که آنرا هنوز هم برای تمرین ببازیگران تئاتر تکلیف میکنند دیگر منظومه رستم و سهراب اوست که حقیقه^۲ انسان از خواندن آن سیر نمیشود. غیر از اینها روکرت بسیاری از اشعار چینی و نالودامایتی هندی را با آلمانی ترجمه کرده و سالها در برلین استاد السنه شرقی بوده است.

از جمله شاگردان روکرت یکی پل دلاگارد^۳ است دیگری فرایتاگ^۴ و این دومی عربی بسیار خوب میدانسته و فرهنگ عربی بلاتینی. او هنوز مورد استفاده است.

از معاصرین روکرت یکی مهل^۵ است که اصلاً از مردم اشتوتگارت آلمان بوده ولی بعدها تبعیت فرانسه را اختیار کرده و از سال ۱۸۳۲ تا ۱۸۷۶ در پاریس بسر میبرده و بریاست انجمن آسیائی فرانسه نیز منصوب گردیده. طبع و ترجمه ایکه او از شاهنامه فردوسی کرده در مقابل دو طبع دیگر ماکان^۶ و ولرس^۷ معروفیت بسزائی یافته است.

معاصرین جوان روکرت عبارت بودند از فلاشر^۸ و اوالد^۹ و گیلد مایستر^{۱۰} و فن کرمر^{۱۱}. فلاشر که در پاریس نزد استاد معروف عربی سیلوستر دُساسی^{۱۲}

۱- Hammer-Purgstahl ۲- Paul de Lagard ۳- Freytag
 ۴- Jules Mohl ۵- Turner Macan ۶- Vüllers ۷- Fleischer
 ۸- Ewald ۹- Gildmeister ۱۰- Von Kremer ۱۱- Sylvestre de sacy

عربی خواننده بود درحقیقت ناشر تحقیقات راجع بزبان عربی در آلمان است و کتابهای او هنوز - ورد استفاده محصلین میباشد بعلاوه از تمام ممالک اروپا مردم بمحضر درس او می آمدند و مخصوصاً در صرف و نحو و لغت و فقه اللغه عربی مهارتی داشت .
او والد در شهر گوتینگن و گیلد مایستر در شهر مار بوگ عربی تدریس میکردند و خدمات ایشان در باب این زبان بهر جهت قابل توجه است .

اما پل دلاگارد که نام اصلی او بوتیشرا^۱ است مردی بود سیاسی و مبارزه جو و بعقیده خود برای مفهوم «آلمان بزرگ» میجنگید و گاهی بهمقطاران خود بیجهت حملات شدید میکرد .

لاگارد مخصوصاً در السنه ایرانی (فارسی و لهجات دیگر اقوام ایرانی مانند کردی و پشتو و آستی و غیرها) و ارمنی و قبطی مطالعات زیاد دارد .

آلفرد فن کرهر اطریشی بود و مدتی نیز در ممالک اسلامی مثل سوریه و مصر نمایندگی سیاسی داشت و در علوم اسلامی تحقیقات میکرد و کتاب تاریخ تمدن اسلامی او مشهور است .

برجسته ترین شاگردان او الد یکی همان نولد که مذکور دیگری و لهوزن^۲

است .

نولد که خود شاگردان فراوان داشته مثل ادوارد سخاو^۳ که در سال ۱۹۳۰ درگذشت دیگری پاکب^۴ (متوفی سال ۱۹۳۷) دیگری بروکلمن^۵ که هنوز حیات دارد .

تاریخ ادبیات عربی بروکلمن که در دو جلد باسه ذیل مفصل منتشر شده از شاهکار هاست و اوبتازگی کتابی نیز در تاریخ ملل اسلامی تألیف نموده است . بروکلمن در زبان سریانی و ترکی نیز استاد است .

۱- Boettischer ۲- Wellhausen ۳- Eduard Sachau ۴- C. Jacob

۵- C. Brockelmann

سخاوا^x از ۱۸۸۷ تا ۱۹۲۲ در برلین استاد زبان عربی بود. از کارهای مهم او انتشار کتاب الآثار الباقیه و کتاب الهند ابو ریحان بیرونی و ترجمه این کتاب دوم بزبان انگلیسی است.

یاکب بیشتر اوقات خود را بجمع آوری قصص و داستانهای ملی شرقی و خیمه شب بازی و گرد آوردن اسامی نباتات و حیوانات صرف کرده است.

در معرفت باحوال مصر قدیم پس از شامپولیون^۱ فرانسوی محقق آلمانی بروگش^۲ مطالعات عمیقی کرده بطوریکه در میان عامه مصر لغت «برجش» بمعنی عالم باحوال مصر معمول شده بود.

از مستشرقین نامی آلمان یکی نیز بکر^۳ است که شاگرد بتسولد^۴ بود. وی ابتدا در شهر هایدلبرگ و بعد از آن در هامبورگ سمت استادی در شرق شناسی را داشت سپس در خدمت اداری وزارت فرهنگ بروس داخل شد و مدتی نیز وزیر فرهنگ آلمان بود. تخصص و تبحر بکر در تاریخ و مذهب اسلام است و دو جلد کتابی که او در این موضوع نوشته در نوع خود بی نظیر است و اخیراً یعنی در سال ۱۹۴۴ هارتمن^۵ کتابی نظیر آن منتشر ساخته است.

در کاوشهای علمی و تاریخی نیز آلمانیها خدمات شایانی کرده اند چنانکه در سنوات ۱۹۰۱-۱۹۰۴ یک هیئت آلمانی در بعلبک حفريات میگرداودارد گللاز^۶ قسمت مهمی از اوقات خود را بتحقیق در عربستان جنوبی و کشف آثار تمدن قدیم یمن صرف نموده و بارن فن اینها^۷ در سال ۱۹۰۰ کتاب قطوری در باب تحقیقات خود بنام «از دریای رم تا خلیج فارس» انتشار داده است.

در خصوص لهجه های متعارف در مشرق زمین مستشرقینی نظیر پرینم^۸ و

۱ - Champollion ۲ - Brugsch ۳ - C. H. Becker ۴ - Bezold
 ۵ - Hartmann ۶ - Eduard Glaser ۷ - Baron von Oppenheim
 ۸ - Prym

اسکارمان^۱ و سوسن^۲ و فیشر تحقیقات مهمی نموده و بسیاری از دقایق مربوط بکردی و عراقی (لهجه عربی عراق عرب) را واضح ساخته اند .
 علمای دیگر مانند آندره آس^۳ و مولر^۴ و فن لوکک^۵ و هادانک^۶ متوجه زبان های ایران قدیم شده و بکشف آثار مهمی از تمدن باستانی ایران و یونان در آسیای مرکزی موفق آمدند و فن لوکک علاوه بر نوشته های مانوی که در ترکستان شرقی بدست آورد در نزدیکی آبشار آسوان مصر در محل فیله پایرو سهایی یافت که محتوی نوشته هایی بخط پهلوی بود و پس از قراءت آنها مطالب مفیدی در باب عقاید مهاجرین یهود در عصر هخامنشیان بدست آمد .

شمیت^۷ یکی دیگر از مستشرقین آلمانی در مصر کتابی از زیر خاک بیرون آورد متعلق بیروان مانی بزبان قبطی شامل هفت فصل ولی چنان شوریده و اوراق آن پراکنده بود که کسی حدس کتاب بودن آنرا نمیزد .

دکتر ایبشر^۸ متصدی موزه برلین موفق شد که آن اوراق را بخوبی منظم سازد و آنرا بصورت اولی یعنی صورت کتابی درآورد .

پیش از جنگهای اخیر در موزه برلین معروف بموزه قیصر ویلم در باب صنایع ایران تحت نظر زاره^۹ کتابهای مهمی بطبع میرسید و آلبومهایی از نقاشیهای ملل اسلامی جمع آوری میشد .

در سال ۱۸۴۴ بتقلید جمعتهای آسیائی انگلستان و فرانسه در برلین جمعیتی بنام جمعیت آلمانی شرقی تشکیل گردید .

این جمعیت مجله ای دارد که غالباً باعلامت اختصاری Z.D.M.G. معرفی میشود

۱-Oscar Mann-۲ Socin-۳ Andreas-۴ W.K. Müller-۵ Von le Coq

۶-Hadang-۷ C. Schmidt-۸ Dr. Ibhc-۹ Fr. Sarre

و آن همیشه حاوی بهترین تحقیقات راجع به علوم و ادبیات و تمدن ممالک شرقی است.

غیر از این مجله آلمانها مجلات دیگری برای نشر تبعات خود در باب شرق دارند مثل مجله آشورشناسی و مجله جمعیت آسیای مقدم و مجله آسیای قدیم و مشرق زمین و انجمن شرقی آلمان و فهرست کتب شرقی و روزنامه ادبیات شرق و اسلام و عالم اسلام و جمعیت آلمانی برای تحقیق در مذهب اسلام و اسناد تحقیقات شرقی و اسلامیة (ایسلامیکا).

از کارهای مهم انجمن شرق شناسان آلمانی کشف کتیبه هائی است بخطوط میخی در آسیای صغیر که پس از قراءت معلوم شد که بزبانی است بنام ختی یا هیتی و آن زبانست مخلوط از السنه هند و اروپائی و السنه آسیای غربی.

جمعیت آسیای آلمان شعبه ای دارد در استانبول که تحت اداره و مراقبت آقای ریتر^۱ بنشر کتب فارسی و عربی و ترکی تحت عنوان «کتابخانه اسلامی» اشتغال دارد و ریتر خود از بهترین کسانی است که بسبب داستان سرائی نظامی و جای آشناست و تاکنون قسمتی از آثار این دو شاعر را بدقت مخصوص بچاپ رسانده است.

سابقاً عده زیادی از مستشرقین بر این عقیده بودند که زبان آرامی در آن قسمت از آسیای غربی که در قدیم تحت تسلط ایران بودند زبان متداول بوده است.

تحقیقات مارکوارت^۲ شاگرد مستشرق معروف یوستی^۳ و بعد از او آقای شدر از استادان بزرگ ایران شناسی امروز و استاد نویسنده این سطور که بشکل مقالات عدیده انتشار یافته ثابت کرد که زبان آرامی فقط زبان نوشته های دولتی بوده است نه زبان عمومی و ملی، بهمین جهت این زبان پیش ایشان بعنوان «آرامی دولتی» معروف شده.

اساتید مزبور ضمناً دریافتند که در خط پهلوی بیش از آنچه سنت زرتشتیان اجازه میداده «هزوارش» یعنی لغات آرامی که بخط پهلوی نوشته و بفارسی خوانده میشده است وجود دارد و در این راه تحقیقات دو مستشرق بزرگ سوئدی نیبرگ^۱ و سترگارد^۲ کمک مهمی بوده. و نیبرگ که از استادان مسلم زبان فارسی عهد ساسانی و خط پهلوی است آخرین کتاب خود را باقی شدر اهداء کرده است.

از شاگردان بنام آندره آس در پهلوی یکی بار^۳ است که پس از فوت کریستن سن^۴ بکپنهاگ پای تخت دانمارک رفته و استاد ایرانشناسی دارالفنون آنجا شده است دیگر هنینگ که از قبل از جنگ اخیر در لندن اقامت گزیده است.

بزرگترین متخصص بلکه بازی تحقیقات راجع باوستا در آلمان استاد دانشمند بارتولومه^۱ بوده که شاگردان بسیار زیر دست خود پرورانده و از مشاهیر ایشان یکی ولف^۲ است که فرهنگ لغات شاهنامه را پس از سالها زحمت تنظیم و آنرا در سال ۱۹۳۶ بمساعی آقای شدر بچاپ رسانده دیگر وست^۳ رئیس سابق دانشگاه مونیخ و گایگر^۴ که در باب بعضی از کتیبه های هخامنشی کارهای نفیسی کرده.

آخرین مستشرق معروف آلمان هرترفلده است که تحقیقات او را در خواندن کتیبه پایکولی و آثار تخت جمشید و سیستان و تاریخ زردشت و غیرها همه میشناسند و نام او برسر زبان همه ایرانیان هست.

این بود مختصری از احوال شرق شناسی در آلمان و نام عده ای از شرق شناسان آن مملکت که نگارنده تذکار آنرا وظیفه وجدانی خود میدانست.

۱ - Nyberg - ۲ Westergaard - ۳ K. Barr - ۴ Christensen

۱ - Ch. Bartholomae - ۲ F. Wolf - ۳ W. Wüst - ۴ W. Geiger

۵ - E. Herzfeld